

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور اول گزارش کمیسیون قوانین داد کسری راجع اصلاح ماده ۲۱ قانون ثبت و اصلاح قوانین مختلف دیگر .
- ۳ - شور اول گزارش کمیسیون قوانین داد کسری راجع اصلاح ماده ۲۴ قانون ثبت و اصلاح قوانین مختلف دیگر .
- ۴ - شور اول گزارش کمیسیون قوانین داد کسری راجع اصلاح ماده ۳۴ قانون ثبت و اصلاح قوانین مختلف دیگر .

مجلس یک ساعت پیش از ظهر بر بابت آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه هفتم ژوئیه را آقای (طوسی) منشی خواندند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - خبر)

صورت مجلس تصویب شد .

۲ - شور اول گزارش کمیسیون قوانین داد کسری راجع اصلاح ماده ۲۴ قانون ثبت و اصلاح قوانین مختلف دیگر

رئیس - شور اول لایحه اصلاح ماده ۳۴ قانون ثبت

و اصلاح چند ماده از قوانین مختلف دیگر

گزارش شور اول کمیسیون قوانین داد کسری قرائت

می شود

گزارش شور اول از کمیسیون قوانین داد کسری

به مجلس شورای ملی

کمیسیون قوانین داد کسری لایحه شماره ۳۰۹۳۵

دولت راجع اصلاح ماده ۳۴ قانون ثبت و اصلاح قوانین

مختلف دیگر را با حضور آقای وزیر داد کسری مطرح و

پس از چندین جلسه که در اطراف آن شور و مذاکره بعمل

آمد در نتیجه ماده واحده بشرح زیر اصلاح و اینک

گزارش آراء بعنوان شور اول تقدیم مجلس شورای ملی

می نماید

(مستند قانون و آثار ۱۳۲۰)

این عین مذاکرات مشروح صد و دومین جلسه از دور دوم دوازدهم قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

نایب اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غالبین با ایدامه - آقایان اسفندیاری - جلالی - دکتر سنک - تفتلا اسلامی - خاظمی - هاشمی - کیومرث - ایرداری ایسی - ارمی - لغویانی - خواجہ نوری .

غالبین بی ایدامه - آقایان اعظم ذنگه - ایرداری - پروانچیان - نویل - شه دوست - کامل ماکم - معزب

رگس - ماده واحده قرائت میشود:

ماده واحده - در قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۲ و قانون اصلاح قسم ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱۲ و دهم بهرام ۱۳۱۲ و قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ و قانون ۵۷۱۸ مصوب ۱۸ اسفند ۱۳۱۷ و قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ اصلاحات زیر بعمل میآید

مهمبر (آقای نقابت) - اینجا در آخر ماده عبارت: ۲ و بند ۲ راجع به املاک بانکی نیز افزوده می شود ۴ باید اضافه شود

رگس - پیوسته خوب بقیه لایحه خوانده می شود

(بشرح زیر خوانده شد)

الف - قانون ثبت اسناد و املاک

۱ - بنق ۲ ماده ۲۵ مکرر قانون ثبت مصوب دهم مهر ۱۳۱۷ بشرح زیر اصلاح میشود

بنق ۲ - در هر مورد که بنظر وزیر داد کسری رأی مثبت نظارت مذکور در ماده ۱ ثبت و با رأی مثبت حل اختلاف و دادرس دادگاه مکمل شهرستان که در مورد رسیدگی به کلیات مربوط به اجرای عقد اسناد رسمی مطابق ماده ۵۹ قانون دفتر اسناد رسمی و مواد تابعه میشود بر خلاف قانون ثبت و با تشخیص داده شود که چنان برودند اجرای اجرائی بر خلاف مقررات صورت گرفته است موضوع در شورای عالی ثبت طرح و جهت مزبور رسیدگی کرده بنظر خود را اظهار میدارد و اولاً بنظر شورای قضایی و قابل اجراء است در صورتیکه شورای عالی ثبت رأی مثبت نظارت با جهت دفع اختلاف را بخلاف قانون تشخیص دهد رأی شورای عالی درجهای رسمی و حقوقی منتشر خواهد شد

نهمبر ۱ - در ماده فوق چنانچه وزیر داد کسری لازم بداند دستور خواهد داد تا حصول نتیجه رسیدگی در شورای عالی ثبت عملیات اجرائی با لایحه متوقف بماند
نهمبر ۲ - آرائی که تا تاریخ تصویب این قانون از جهت جای نامبرده صادر و بنظر وزارت داد کسری

مقرر در سند تعاقب خواهد گرفت - در مورد سایر معاملات استثنای منطبق خسارت تأخیر پرداخت مشروط بتقدیم اظهارنامه یا دادخواست است و از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا تقدیم دادخواست محسوب میشود ولی بطور کلی خسارت تأخیر پرداخت در صورتی منافی نمیکرد که وجه التزامی بین طرفین در ضمن معامله اصلی یا ضمن هر نوع قرار داد و معامله دیگری بطوریکه التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر شد و به دیگر در صورت تأخیر پرداخت بطور مستقیم یا غیر مستقیم بنادیده آن ملزم نگردد باید

نهمبر ۳ - در معاملاتی که موضوع آن مال منقسم باشد از قبیل بیع شرط و رهن و امثال آن بستانکار فقط حق دارد اصل طلب خود را با وجه التزام (در صورتی که معین شده باشد) و یا خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ انقضای مدت مطالبه نماید

نهمبر ۴ - در صورتیکه در طرف سه ماه مهلت مذکور در ماده ۳۴ به دیگر با بستانکار معامله خود را مستقیماً ختم نماید اداره ثبت اسناد فقط نصف حق اجراء را دریافت خواهد داشت

۳ - ماده زیر بشماره ۳۴ مکرر قانون نامبرده افزوده میشود

ماده ۳۴ مکرر - در معاملات رهنی یا با حق استرداد نسبت باموال غیر منقول که به ثبت رسیده و یا مدت اعتراض آن گذشته باشد معامله کذب میشود یا باید حق بستانکار مقدم مورد معامله را برای وام های دیگر وثیقه و تأمین قرار دهد

در صورتی که معامله مقدم تمام مال مورد معامله وثیقه وام بدهی و در صورت عدم فک معامله مقدم و فروش مال هر بستانکار مقدم برای استیفای اصل طلب و اجور و خسارت قانونی بر بستانکار جای بدهی مقدم خواهد بود

تمام بستانکارهای مذکور در این ماده نسبت به مال مورد معامله بر بستانکاران دیگر حق رجوع خاص خواهند داشت معامله کننده مکلف است در موقع تنظیم سند اینگونه

معاملات خصوصیات معاملات قبلی را در سند تصریح نماید و الا بیکم مقرر در ماده ۱۱۷ قانون ثبت محکوم خواهد شد
نهمبر ۱ - در مورد ماده ۳۴ به دیگر میتوان اصل وجه طلب بستانکار و اجور و خسارت قانونی تا انقضای مدت را در سند ثبت و دهبه گذارد فک معامله را از اداره ثبت بخواهد و هر گاه متنازع مال مورد معامله حق کسبی یا حقوق دیگری باشد که به بستانکار واگذار شده باید حق نامبرده تا آخر مدت مذکور در سند معامله رعایت شود

نهمبر ۲ - هر یک از بستانکاران مذکور در ماده ۳۴ مکرر و هر بستانکار دیگری که حق در خواست بازداشت اموال به دیگر را دارد نیز میتواند بترتیب مقرر در تمبر فوق فک معامله و مزایده مال مورد معامله را برای وصول طلب خود از اداره ثبت درخواست کند و در اینصورت اداره ثبت پس از احراز توجیه کلیه طلب و خسارت قانونی بستانکار در صندوق ثبت به بستانکار اخطار میکند که برای دریافت طلب خود وفک معامله حاضر شود و چنانچه در ظرف سه روز پس از ابلاغ اخطار به حاضر نگردد اداره ثبت فسخ و فک معامله را بدقت تنظیم کند سند اعلام بویزاید مال اقدام مینماید

۴ - نهمبر زیر بماده ۱۳۱ قانون ثبت علاوه میشود:
نهمبر - هر گاه طرفین پس از صدور اجرائیه در خارج صلح نمایند یا بقرار انقضای بکند یا به مهلت بدهند یا مدت یکسال از اجرائیه را تقبیل بکنند متعاضماً مسئول وراثت نیم عشر عیثی بود و کسی که در نتیجه مسئولیت تعاضی حق اجراء را میبرد از آن طرفی که قانوناً مسئول پرداخت حق اجراء میباشد بویساید اجراء وصول نماید

ب - قانون دفتر اسناد رسمی

۱ - بنق ۳ ماده ۱۰ قانون مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ دفتر اسناد رسمی بترتیب زیر اصلاح میشود:
بنق ۳ - استثنای که از تاریخ اجرای قانون دفتر اسناد رسمی تا وقتی که وزارت داد کسری مقتضی بداند از تعهد امتناع مخصوص طبق برنامه وزارت داد کسری بر آید
۲ - بنق ۴ ماده ۲۲ نسخ و بجای آن نهمبر زیر بعنوان نهمبر ۲ در ماده نامبرده علاوه می شود:

۱. لیت. یکی دیگر درسطر ۱۴ همان صفحه دربر سر ۲ نوشته شده شرح فوق باید اصلاح شود و نوشته شود بشرح فوق و حرف (ب) باید قبل از شرح اضافه شود.

رولیس - آقای انوار

انوار - اجازه که بنده خواست ابتدای برای این موضوع بود که کم که خود مجلس هم متوجه شد این ماده در واقع میتوان گفت گنج دانش است و مثل کتاب مالاقتباس است بلکه بالاتر يك كتاب تفسیر است بلکه خیلی با اهمیت است

این چند ماده (چهار ماده) بود بعد هم يك ماده بهش اضافه شد كه خیلی اهمیت دارد و بعد بنده مطابق ماده ۹۹ نظامنامه داخلی نقاشی نیز به آن را خواست زیرا در نظامنامه دارد كه اگر يك ماده دارای اجزائی باشد هر یک نماینده میتواند نقضای نیز به آن را بخواهد از مجلس اینست كه نقضای بنده این است كه این ماده واحده كه دارای پنج جزء است و هر جزء آن هم دارای اجزائی دیگر است (پنج شش جزء است) این نیز به شود از هم جزء اول كه راجع به لیت است در ققره الف با تیسره های

این مطرح شود قرار گیرد بعد سایر اجزای و مواد دیگری كه ضمن این ماده واحده درآمده و آقایان نمایندگان در آن مداخله صحبت کنند و آقای وزیر دادگستری آقای غیر توضیح دهند. شهادت بنی بنه آقای وزیر دادگستری كه این ماده را آوردند يكمسیون مكرر بنام اعضاء كمیسیون اظهار داشتند استیضاح كردند نظریات هم را

و فرمودند كه اگر قریب دیگری بنظر شما میرسد نظر خودتان را اظهار دارید و حالا هم كه آمده است به مجلس این نظر هست آقایان میدانند كه هم ما مبتلی هستیم مسئله قرض است و قرض كردن و معاملات و اوضاع بازار كسی و همه آقایان خوب متوجه هستند كه این مسئله است كه جریان دارد و همه ما هم مبتلی هستیم این است

كه بنده نقضای نیز به كردم كه جزء جزء مورد مطالعه واقع شود و مورد شور قرار گیرد و نمایندگان محترم كاملاً متوجه شوند و مطالعه بفرمایند مخصوصاً نسبت به ماده ۳۱

ج - قانون دلائل

در ماده ۱۰ جمله (طبق ماده ۸) تبدیل میشود بجمعه

(طبق ماده ۹)

د - قانون ازدواج

تیسره زیر بنده اول قانون ازدواج اصلاح شده در ۱۳۱۶

افزوده میشود:

تیسره - رسیدگی بختلافات اداری سردرگزمان ازدواج و طلاق و رسیدن كیتر اهماطیق آگین نامه كه وزارت دادگستری مقرر خواهد داشت بعمل می آید.

ه - راجع به معاملات بانكی

نقط بانكهای كه با اجازه دولت تأسیس شده یا میشوند میتوانند مطابق قرار داد خود با مشتریان بهره و كار مزد مقرر بین طرفین را كه پایه احتساب آن پیش از زمین قانونی نخواهد بود بر مجموع بدی بدو كنار تاریخ هر عصبه افزوده و نسبت به مجموع آن بهره كنند در قراردادی را دریافت دارند.

هچتر - این چند اصلاح عبارتی در این ماده لازم است كه در چاپ انشاء بدو یکی در صفحه دوم و بعد درسطر آخر كه نوشته شده هیئت نظارت ذكر در ماده ۶ لیت بعد از ماده ۶ و قبل از كاهیه لیت باید كاهیه قانون اضافه شود و بنده ماده ۹ قانون

بوده است و هر كسی كه دید بر خلاف قانون است حق دارد از آن رأى هیئت نظارت شكایت كند تا رسیدگی در شورای عالی بعمل آید و این را توضیح بفرمایند زیرا اگر غیر این قریب باشد از كجا ما میتوانیم همیشه دلیل بیاریم كه وزیر دادگستری یا حضرات عالی هستند یا اشخاص هستند كه در قانون هستند و قانون تسلیع این شان است بلكه يك كسی بود كه توجه نداشت و آورد. اگر يك رأى بر خلاف قانون صادر شده بود بمنظور مبادی پس باید هر متقلمی هم كه دید هیئت حل اختلاف رائی كه دادوستد نسبت با بر خلاف قانون صادر شده است این حق را داشته باشد كه شكایت كند پس این را در نظر بگیرند و همین جور راجع به ماده ۳۴ بنده عرض میکنم بعد از آنكه می آید و بنده بكمتر اطلاع میدهند كه باورچه میدهند تا دوباره كار حاضر نشده قرار

میکند رجوع بگفتن باشد كارتشناس هر قیمتی را كه از برای آن ملك مسین كرد آن را میدهد قراره بدهند برای میدهد اجراء و با دارا و كار كنان نسبت استاد سوئنه پیدا كردن باین عدايت كارشناسها كه خیلی اسباب زحمت برای كار كنان اجراء فراهم کرده بود این است كه اسب این بدند كه تغییر بدند و بیک صورت دیگری در آوردند كه ملاحظه بفرمایند و باید در آن وقت بشود زیرا اینجا همه ماها مبتلی هستیم باقتراض قرضش و این شرطي را بر حفرها - بعد از آن هم يك ماده ایست كه بنده در كمیسیون دادگستری عرض كردم كه در ماده از قانون مدنی برخلاف آن میباشد برای اینکه در اینجا يك معامله را اجازه دادوستد میگوید

كه باید فروشنده قادر به تسلیع بنده باشد زیرا همه میدانند كه هر معامله و هر بیس چهار در كار دوديكی از كار كنانه آن این است كه فروشنده باید قدرت بر تسلیع و ابعثی داشته باشد در صورتيكه بیع نزد دیگری است و فروشنده نمیتواند تسلیع كند این چه سودی دارد باین جهت كه سودی دارد و بیع رابع چه سودی دارد باین جهت كه ارفاع حلی درست است پیدا شده و نظیر دولت در فروش راه تجارت و راه داد و ستد است ولی باید در جهت نظر بگیرند كه تعقیق بیع

كه حالا عرض میکنم ماده سی و چهار قانون ثبت ماده ای است كه در قانون ثبت استاد در دوره مرحوم دارد گذشت و با آن طه طرق و طول و تقصیل نوشته شده كه این معاملات بیع شرطي باید از بین برود و اكسر فانی رأى دای مطابق آن منظور باید محكوم بشود و آن ترتیب و با يك زحمتی يك جریانی برای آن معین كردند و مدتی پاین ماده باین جریانی كه در قانون نوشته شده بود عمل شد و فكر كنان

وزارت دادگستری گرفتار این قانون شدند بواسطه اینکه مبتلی به عامه است و همه توجه دارند این بود كه بعد از اصلاحاتی در نتیجه این زحمتی كه ایجاد شده بود در آن بعمل آمد كویا در دوره وزارت آقای صدر بود یا بعد از ایشان آن اصلاح هم بعنوان تعیین كارتشناس بود كه در آن هم اجراء دچار يك گرفتاری شد و بانگش بر خورد حالا این اصلاح را در باره آقای وزیر دادگستری در این دوره بارتیب دیگری ببجلی آورده اند كه در این لایحه نوشته شده است. عمداً این را بنده عرض میکنم كه جلب توجه

آقایان بشود كه در این مورد خوب توجه بفرمایند كه مسئله بیع شرطي یا آن ترتیبی كه بهم خورده است و بعد ترتیبی كه بجایش گذاشته شده كه باید بنده یاد داشته شود و این جریانات این مطالعه بفرمایند چنانچه خود آقای وزیر هم فرمودند كه ما تا این اندازه بنظرمان رسیده است حالا آقایان هم را چه بنظرشان میرسد بگویند و بنویسند و پیشنهاد کنند تا مشورت بكنیم دو ماه هم این قانون

همینطور ماند برای اینکه شاید يك راه بهتری برایش پیدا بشود از كسی هم پیشنهادی نرسید در ماده اول كه این حا نوشته است خواستم نظر آقای وزیر دادگستری را توجه بدهم كه نوشته اند (در هر مورد كه بنظر وزیر دادگستری رأى هیئت نظارت ذكر در ماده ۶ قانون ثبت بر خلاف قانون صادر شده باشد) خوب اگر دیگری فهمید كه این رأى

بر خلاف قانون است حق ندارد بگوید و بنویسد تا موضوع در شورای عالی تحت مدافعه و مطالعه قرار گیرد و فقط این حق را باید. وزیر دادگستری داد و بقیده بنده منظور این

دروغی صورت بگیرد که بایع نتواند عین مسبح را تسلیم کند در صورتیکه این در بیکری است چطور میتوان این را تسلیم کند. چون این تفادی بنده مطابق نظامنامه است این است که نقاشانم جزء جزء بشود و ماله بشود آقایان نمایندگان هم در جزء جزء صحبت کنند و بیشتر از این بنده عرض ندارم

رئیس - سابقه راجع به تجزیه در موقوف شور دوم است و در موقوف رأی می توانست نقاشان کنند و حالا موردی ندارد. وزیر دادگستری - بنده خواستم به پیشم که پیشنهاد آقای انوار که راجع به تجزیه بود قبول بشود یا خیر که اگر تجزیه بشود وارد جزئیات بشوم و مطلب را به تجزیه کنم و در هر قسمت از آن مطلب تشریح بشود ولی معلوم شد که پیشنهاد تجزیه به دستور دوم در موقوف رأی قبول نمیشود اظهارانی که آقای انوار فرمودند کرچه یکی از آقایان هم پیشنهاد کرده بودند که بیانات آقا هم تجزیه بشود ولی چون ایشان بطور کلی فرمودند بنده هم بطور کلی جواب عرض میکنم. راست است که این قانون فرق العاده است و باید مورد توجه واقع شود ولی درائر آزمایشی که در این مدت بعمل آمده است این اصلاحات لازم شده است و بطوری که در کمیسیون هم دقت شد و آقایان ملاحظه فرمودند این اصلاحات کمالاً بیجا است و دیومق بوده است و بایستی بعمل آید و رفع اشکال زیادی را از ماله کنندگان ماله و از ادارات مختانی که باید این معاملات را انجام دهند میکنند البته در موقوف خود که بحث خواهد شد دلائل آن را بنده برض آقایان و برسانم و مطلع خواهند شد که اهمیت هر کدام از این اصلاحات چیست و چه تأثیری دارد اینطور که بطور کلی راجع به حق وزیر دادگستری در شورای عالی ثبت تذکر دادند و فرمودند که چطور است که دیگران نمیتوانند شکایت بکنند گمان میکنم توجه به ماده فرمودند برای اینکه اگر توجه میشد ایشان خودشان مطلب را حل میکردند این حق برای این است که ترتیب اثر به شکایات داده شود تا بجا شکایت میشد ولی چون در قانونی نداشت ترتیب اثر نمیتواند ولی

اول تا آخر قرائت شد بنده چند پیشنهاد دارم و نظرات خود را در هر قسمتی که محتاج اصلاح میدانم عرض میکنم و حقیقتاً يك موضوعات مهمی در این جاست که محتاج است اصلاح بشود. در ذوق اول می نویسد: در هر مورد که بنظر وزیر دادگستری رأی هیئت نظارت مذکور در ماده ۶ تا آخر ماده ۷. وقتی که ملاحظه بفرمایید این رأی که قطعی شده است برخلاف بعضی مقررات قانونی است که اینجا اختیار داده شده است که مجدداً تجدید نظر بشود. حقیقتاً بنده این را خوب میدانم که این اختیار به وزیر دادگستری داده شده است چون ممکن است در آراء صادره از هیئت نظارت بعضی آراء باشد که باید دقت شود که طبق عدالت و دادگستری اصلاح شود ولی در این ماده چون بطور کلی نوشته شده رأی هیئت نظارت مذکور در ماده ۶ برای اطلاع آقایان میخواهم عرض کنم که ماده ۶ راجع به اصلاحاتی است که در جریان ثبت يك ملك ممکن است پیش بیاید فرض بفرمایید اعلانات صادر میکنند و با مامت اخبارش متعین شده است یا هزاران اختلافات دیگر که در قانون اختیار داده شده بود که هیئت نظارت آنرا نظر کند چون در ضمن این نظر ها ممکن است هیئت نظارت يك نظری کرده باشد که منتهی بشود سند مالکیت شده باشد یعنی هیئت نظارت نظر کرده بکمال قباحت ماله قباحتها نظر کرده و از روی آن نظر هم سند مالکیتش ممکن است بشکاسم کسی صادر شده بنده متعقد هستم تا کنون هم رویه قانونی این بوده است وقتی که منتهی بشود سند مالکیت میشود هیچگونه اختیاری نداشته که بعد از آن در اسناد مالکیت نظر بکنند از این جهت این موضوع در کمیسیون هم مذاکره شد و جناب آقای وزیر دادگستری هم فرمودند که نظر این بود که وقتی هیئت نظارت رأی داده و منتهی بشود سند مالکیت شده تجدید نظر بشود اینهم صحیح است ولی بنظر بنده چون در این ماده بطور مطلق نوشته شده است هر گونه رأی هیئت نظارت مذکور در ماده ۷ را از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که يك چاه اضافه شود و رأی

هیئت نظارت مذکور در ماده ۷ شش که منتهی بشود سند مالکیت بنده تا شامل آگاهی که سند مالکیتش صادر شده ندرود و آنها را خارج کند و دیگر مورد تجدید نظر نشود و بالاخره یکباره اصلاح شده و روشنی باشد. این یکقسمت. قسمت دیگر در تبصره سه ماده ۳۴ در صفحه ۴ می نویسد: معاملات بشود که موضوع آن مال ذمه باشد از قبیل بیع شرط و رهن و امثال آن... البته ظاهر مقصود اینماده بنظر بنده این است که چون در عرف يك معاملات میشود و مخصوصاً اینکه درآمده ذکر شده در بعضی شهرها راجع بر رهن و امثال آن معاملات میشود و بولهای میگردند که در فلان موقوف روغن را بدهند نظر اصلی این بود که يك وامی بگیرد که اگر تا فلان موقوف آن پول را درود فلان مقدار روغن بدهد یا فرض بفرمایید جنس دیگری را بدهد این عمل میشود و تقریباً صورت يك بیع شرطی را پیدا میکند مثل بیع شرط ملک چنانکه در قانون قید شده که اگر يك ملكی بیع شرط باشد مقصود بیع نیست بلکه مقصود از آن رهن است یعنی اگر در موقوف پول را بپرداخت قسط حق دارد ملك را بفروشد و پولش را بر دارد اینجا هم خواسته همینطور بگوید که اگر معاملات واقع شد و در موقوف پول داده شد مثل این است که حقیقتاً روغن را فروخته است بلکه دهنده پول فقط حق دارد اصل پول را یا خسارت تاخیر قاعده مطالبه کند یعنی حق ندارد بیاید بچسبد که روغن بن فروخته ای باید روغن بدهی این نظر البته خیلی خوب است و بنده هم طرفدارش هستم ولی این تبصره طوری نوشته شده مثل اینکه اساس کلیه معاملات متوقول را متزائل میکنند. در بالا می نویسد در معاملات که موضوع آن مال می باشد. اینجا خواستم عرض کنم که این جمله شامل معاملات صلح و فسخ هم میشود یعنی کسی می آید ده خروار بکند و بفروشد فرض بفرمایید بعد تومان که پولش را حالا میگیرد ولی ده خروار بکند را یکباره دیگر بدهد این هیچ عیب ندارد در عرف و عادات هم هست معاملات بازار هم از این قبیل میشود و صحیح است کسی پول احتیاج دارد و میداند سرخرم هم جنس دارد هیچ مانعی ندارد که از این معاملات بکند و

صوره میکنم که این بصره هم منظور شد چلو گیری از این قبیل معاملات بوده ولی چون بطور مطلق نوشته است: مبالغه ای که موضوع آن مال ذمه باشد. بنده پرس دارم که این چلو گیری کند از معاملات سلم و سلم از این جهت بنده از مدام میگویم که این موضوع یکصدی بحث بشود در کمیسیون و قید بشود که فقط در معاملاتی که عنوان بیع شرطی دارد مثل بیع شرط روغن و امثال آن در سر موعه اگر روغن را نداد دهنده پول فقط حق گرفتن اصل پول و خسارت را دارد و دیگر این موضوع شامل کلیه معاملات سلم و سلم و معاملات متغوله بشود. اما پیشنهاد دیگر بنده راجع باصلاح ذیل ماده ۳۴ مکرر است. این ماده حقیقه یکمی از بهترین و بر جسته ترین قوانین است (که چه قوانین مانع آمدن نظر خیر آمدن) که در ذرا کردن اعتبار مردم و بازار مؤثر است. تاکنون اگر کسی قرض میکرد و یک ملکی را کردو میگرداند مثلا یک ملک چهل هزار تومان را داده قابل پنجاه هزار تومان رهن میگذاشت دیگر حق ضمانت دهنده هزار تومان دیگر از کسی دیگر قرض کند و این ملک را رهن بگذارد دهنده پول میبایست که ارزش این ملک زیاد است ولی قانون اجازه نمیداد که دیگر معامله بکند در صورتیکه در ملک دیگر برای خاطر اعتبار مردم قانون اجازه داده که تمام این ملک را مجدداً پیش دیگری رهن بگذارد اما اگر سومی هم بدهد منظور رهن گذاشته میشود و این برای زیاد کردن اعتبارات مردم است در این قانون اجازه داده که ملکی را که رهن گذاشته درست دوم و سوم هم اگر بقیش زیاد باشد رهن بگذارد البته اظهار بنده خوب میدانم ولی اینجا قید میکند که حتماً باید در دست دوم که معامله میکند خصوصیات معاملات قبلی را در دست تصریح نماید. اینهم صحیح است برای اینکه وقتی درست دوم از کسی دهنده هزار تومان قرض میکرد باستانی را بگوید که این ملک در دست دیگری است البته این خیلی خوب است برای اینکه حق اولی را محفوظ بماند ولی اینجا نوشته شده اگر تمام خصوصیات معامله قبلی را در دست

بصره اراجع به بصره است که هنوز جمله قطعی نرسیده و سند مالکیت صادر نشده است ممکن است مطلبی در عکمه حل اختلاف با در هیئت نظارت مطرح شده باشد و رأی هم داده شده باشد و ممکن است مطلب یک طوری باشد که برخلاف مصالح جامعه باشد و ضرر اختصاص ممکن است تمام شود تا بحال ما راهی ندانیم این مطلب را حل کنیم برای اینکه بتوانیم این مطلب را حل کنیم این ماده وضع شده که ما بتوانیم این قبیل مطلب را حل کنیم و مسلم است که این اظهارات در مورد حل اختلاف و هیئت نظارت تا وقتی است که سند مالکیت صادر نشده وقتی که صدور سند مالکیت شد دیگر نه در مرحله حل اختلاف و نه در هیئت نظارت قابل رسیدگی نیست و ما برای اینکه مبدا مطالبی باشد که حالا مطرح باشد و بشود برای آنها هم تریبی داد که رفع اشکال شود این بصره را از خودیم که رفع اشکال بشود و بنظر بنده خیلی لزوم ندارد که این عبارتی را که پیشنهاد کردند در این ماده قید کنیم زیرا که بقصدی خود مطلب روشن است در بصره ۳ که ذکر کردیم حاصل تذکر ایشان این است که ذکر شود معاملات بیع شرطی از قبیل رد ثمن و غیره این در خود بصره ذکر شده چه پیشنهادی سر کار ممکن است بکند که از این واضح تر باشد میگویند ممکن است معاملات دیگر را متزلزل کند و تنبیه که در این ماده بطور وضوح نوشته شده دیگر جای این نیست که انکاری داشته باشیم و احتیاجی به توضیح داشته باشد در خود بصره مطلب روشن است و احتیاج به تذکر دیگری نیست و اما در قسمت سوم مطالبات ایشان راجع به موضوع سوم تذکر ایشان در قسمت مجازات که فرمودند بر طبق ماده ۱۱۷ زیاد است بنده تصور میکنم قوانین وقتی که وضع میشود آقایان هم توجه دارند به این مطلب که باید اوضاع و احوال را در نظر گرفت و متعاقباً با مجازات وضع کرد و آنچه انداز باید مطالب را در نظر گرفت و چه اقدامات احتیاجی باید کرد که نتیجه معکوس ندهد ما از وضع این ماده بطوری که خود آقای نمایندۀ محترم

تذکر دادند و معتقد بودند منظورمان این بود که گشایش در معاملات مردم بشود و تسهیلاتی بشود اما این تسهیلات و گشایش باید تا حدی باشد که متر با مردم دیگر جامعه نباشد اگر ما بیاییم مطلب را طوری کنیم که ضرر دیگری به او مترتب شود این نفس غرض شده ما میخواهیم باب اعتبارات را باز کنیم و تسهیلاتی در کار کرده باشیم و از این وارد شدیم اما باید متوجه باشیم که کسی از این معامله سوء استفاده نکند اگر چنانچه اختصاصی که معامله میکنند چنانچه می بینیم اختصاصی هستند سوء استفاده میکنند و سند خودشان را آطوریکه بایستی تنظیم کنند نمیکند و با یک ترتیبی کلاه سر طرف گذاشته می شود مسلم است که اینجا سوء استفاده شده است خصوصاً در ابتدای یک همچو امری که سابقه نداشته و طرفین هم ممکن است متذکر باشند سر دفترها هم ممکن است متذکر باشند پس بنابراین باید یک طوری باشد که حتی المقدور مردم احتراز کنند از اینکه به این تقلبات و دستاویز متعصب نشوند و طوری باشد که قبل از وقوع علاج شده باشد و طوری شود که برای طرفین معامله اشکالی پیش نیاید روی همین نظر بوده که ما خصوصاً در ابتدای این مجازات را در نظر گرفتیم که اگر عدلی نخواست به یک کسی مرتکب یک همچو عملی بشود همین مجازات را در باره اش اعمال کنیم و اگر بخواهیم تخفیف قائل شویم این متر است بحال جامعه باین جهت بنده تصور میکنم خود آقای دکر جوان هم متوجه شده باشند که این نظریه همان ترتیبی که اینجا ذکر کرده است باید بانی باشد.

نویس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده خواستم یک پیشنهادی عرض کردم باینم اگر اجازه میفرمایید عرض میکنم که الاث ظاهر گذشته است و هوا هم گرم است این ماده هم مخصوصاً ماده ۳۴ اینکه آقای دکر جوان خیلی اظهار داشت فرمودند لیکن باید تصدیق کرد که این قبیل مطالب مطلب نظری است که خیلی قابل بحث است ایشان موافقت دارند و بعضی

دیگر آقایان موافق هستند بنده نمیگویم آنچه بنده فهمیدم همین است لیکن البته در این موضوع باید بحث شود و مطلب را بشکافیم و به ینیم صلاح است این کار بشود یا صلاح نیست در هر حال بنده عقیده ام این است که رأی در این موضوع بماند برای جلسه دیگر یعنی این قانون فعلاً مسکوت بماند و رأی گرفتن در آن بماند برای جلسه دیگر تا اینکه مطالب گفته شود و اجازه بنده هم محفوظ بماند حالا اگر لازم است که رأی بشود دوم در این جلسه گرفته شود بنده مطالب را عرض کنم.

رئیس - مانهی ندارد از این فرار اجازه صحبت کردن سر کار و آقای اوحدی محفوظ میماند برای جلسه آتی
 جمعی از نمایندگان - صحیح است.
 [۳. موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
 رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم
 جلسه آینده روز یکشنبه بیست و دوم تیر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور همین لایحه.
 [مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد]
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری